

## سنجش کانسپت معماری فضای نیایشگاهی در دوران ماد در نوشیجان تپه، زار بلاغ و تپه ازبکی

محمد حسن طالبیان<sup>۱\*</sup>، مهرداد ملکزاده<sup>۲</sup>، علیرضا طاهری<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشیار گروه مرمت بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

<sup>۲</sup>استادیار پژوهشکده باستان‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

<sup>۳</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات معماری، گروه مرمت بناها و بافت‌های تاریخی دانشکده معماری،

دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۳)



### چکیده

مادها به عنوان اولین حکومت یکپارچه و مرکزی ایران شناخته می‌شوند. معماری این حکومت به واسطه کاوش‌های محدود و تاریخ‌گذاری‌های مبهم، دچار ابهاماتی است. بخش عمده معماری ماد را تالارهای ستون‌دار، مجموعه انبارها و فضاهای نیایشگاهی تشکیل می‌دهند. فضاهای نیایشگاهی به واسطه اطلاعات ناکافی از آیین مادها به عنوان پر ابهام‌ترین بخش معماری ماد شناخته می‌شوند. نیایشگاه مرکزی نوشیجان مهم‌ترین فضای نیایشگاهی ماد است که در جریان کاوش‌های آن مشخص شد که این نیایشگاه بدون کوچک‌ترین آسیبی مهر و موم شده است. با کاوش‌های بیشتر در قلمرو حکومتی ماد، محوطه‌های دیگری با شرایط یکسان با نوشیجان آشکار شدند که گمان می‌رود سرنوشت یکسانی با این نیایشگاه داشتند. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه موردی و با هدف خوانش معماری از کانسپت طراحی و کارکرد فضاهای نیایشگاهی ماد، سنجشی معمارانه بین نیایشگاه مرکزی نوشیجان تپه، نیایشگاه زار بلاغ و تپه ازبکی صورت گرفته است، این سنجش در انتها دستیابی به یک الگوی مفهومی دو بخشی در طراحی این نیایشگاه‌ها را میسر می‌سازد. در بخش نتیجه‌گیری، همانندی‌های این نیایشگاه‌ها در زمینه کانسپت و ساختار معماری، بستر محیطی و مصالح ساختمانی ذکر خواهد شد. در نهایت به شباهت‌های ساختاری و عملکردی بناهای مذکور با نیایشگاه غربی نوشیجان تپه، بنای سنگی واسون کهک، نیایشگاه تخریر آباد بزرگ و نیایشگاه حاجی خان فامنین نیز اشاره‌ای خواهد شد.

### واژه‌های کلیدی

معماری ماد، فضای نیایشگاهی، نوشیجان تپه، زار بلاغ، تپه ازبکی، کانسپت معماری.

## مقدمه

بر ابهام‌ترین بخش‌های معماری ماد لقب می‌گیرد. فضای نیایشگاهی و مذهبی را می‌توان از مهم‌ترین عناصر معماری هر دوره تاریخی برشمرد، گاهی این فضاها ساخته دست والی‌های حکومتی بوده و گاهی به صورت خود جوش توسط مردم محلی ساخته می‌شده است. از طرف دیگر میراث ناملموس بویژه سنت‌ها و آیین‌های مردمی رایج در یک پهنه جغرافیایی و نحوه اجرای آیین‌ها و مراسم‌های مذهبی بر طرح و عملکرد معماری فضاها نیایشگاهی تأثیرگذار بوده است. از این رو، احتمال می‌رود که با مطالعات مقایسه‌ای فضاها نیایشگاهی دوره‌های تاریخی مشابه، شباهت‌هایی در طرح، هندسه و جهت‌گیری معماری، عملکرد فضاها پیرامونی، سلسله‌مراتب دسترسی، سیر کولاسیون حرکتی، ابعاد و اندازه، مصالح، شیوه و تکنیک ساخت و نحوه استقرار آن در مکان یافت شود. در ارتباط با مذهب و معماری مذهبی اقوام ایرانی قبل از دوره ساسانی، داده‌های اندک باستان‌شناسی، سبب شده تا از آیین‌ها و معماری مذهبی این اقوام اطلاعات ناچیز و گمراه‌کننده وجود داشته باشد. در ارتباط با اعتقادات مادها، علیرغم کشف دو بنای مذهبی و آتشدان در نوشیجان تپه، به غیر از فرضیه‌های بسیار کلی و غیر مستند، اطلاعات دیگری در دسترس نیست. اعتقادات مذهبی و بناهای مربوط به آن در فلات ایران، به درستی شناخته نشده است (ملازاده، ۱۳۹۰، ۱۲۴). در برخی پژوهش‌ها سعی شده است تا علاوه بر واکاوی آیین مادها، فرضیه استمرار ساختار و کانسپت معماری نیایشگاه‌های مادی مورد بررسی قرار بگیرد. اما به جهت ساختاری و معماری نیایشگاه‌های مادی تا هخامنشی و پس از آن، به نظر می‌رسد که این فرضیه ابتدا با یک سوال جدی روبه‌روست: «چرا محوطه‌های نیایشگاهی کاوش شده از دوره ماد در دوره هخامنشی روند مسدود سازی را طی کرده‌اند و بدون هتک حرمت پر شده‌اند؟» برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید به کتیبه ضد دیو خشایارشا و منظور آن از اقوام دیوپرست رجوع کرد و پس از آن، برخورد موبدان زردشتی که در رأس قدرت بودند با دیویسنان را مورد توجه قرار داد.

حکومت ماد به‌عنوان اولین حکومت یکپارچه که تقریباً تمام بخش‌های جغرافیایی ایران امروزی و فراتر از آن را دربر می‌گیرد، شناخته می‌شود. به گفته هروودوت، حکومت ماد دارای چهار شاهنشاه بوده است که به یک خانواده تعلق داشتند و تقریباً ۱۵۰ سال فرمانروایی کردند. طبق تاریخ‌گذاری هروودوت شروع سلطنت دیاکو به‌عنوان اولین شهریار و فرمانروای ماد، حدوداً ۷۰۰ ق.م بوده است و مادان تا زمان شکست خوردن ایشوویگو از کوروش (حدوداً ۵۵۰ ق.م) در رأس قدرت باقی ماندند (دیباکونوف، ۱۳۹۵، ۲۲-۲۳). به‌طور کلی معماری دوره ماد را می‌توان متشکل از تالارهای ستون‌دار، مجموعه انبارها (در برخی از منابع قلعه)، فضای نیایشگاهی و فضاها واسط (حیاط‌ها، اتاق‌ها، پیشخوان‌ها و غیره) دانست. گاهی این فضاها در کنار یکدیگر به کار گرفته شده‌اند و مانند نوشیجان تپه، گودین تپه و تپه ازبکی یک مجموعه معماری را تشکیل داده‌اند و گاهی هم این فضاها به صورت منفرد ساخته شده‌اند مانند زارباغ، واسون و حاجی خان. به نظر می‌رسد که تالارها و مجموعه انبارها بخش جدایی‌ناپذیر مجموعه‌های مادی هستند که در نوشیجان و گودین این تالارها به شکل ستون‌دار نمود پیدا می‌کنند و در ازبکی تالارها را به شکل بدون ستون می‌ساخته‌اند. مجموعه انبارها در ازبکی به ساده‌ترین شکل خود ساخته شده است ولی در گودین و نوشیجان به شکل تکامل یافته‌تری و به‌عنوان یک مجموعه مشاهده می‌شوند. این مجموعه انبارها به شکل کامل‌تری در الغ تپه و تل القبه - که نمونه‌های منفرد از مجموعه انبارها یا قلعه هستند - یافت می‌شوند. فضاها نیایشگاهی در معماری ماد بیشتر به صورت منفرد ساخته می‌شده‌اند و فقط در مجموعه‌های ازبکی و نوشیجان مشاهده می‌شوند و سایر نمونه‌های نیایشگاهی همگی تک بنا هستند. از طرفی به واسطه کاوش‌های باستان‌شناسی محدود، اطلاعات کلی از معماری ماد بسیار اندک است و به این جهت بخش اعظمی از تاریخ‌گذاری محوطه‌های مادی کاوش شده در حد فرضیه باقی مانده است. از طرف دیگر اطلاعات ما از آیین مادها به اندازه‌ای نیست که بتوان بر اساس آن نظریه پردازی کرد. از این رو معماری نیایشگاهی و مذهبی ماد، یکی از

## روش پژوهش

در این پژوهش ابتدا کلیاتی در باب مفاهیم مهم مذهبی-آیینی در دوره ماد و هخامنشی مطرح می‌شود و پس از آن، بخش توصیف جغرافیایی محوطه‌های مورد بررسی قرار دارد و سپس به بررسی کالبد معماری محوطه‌های مورد بررسی به‌عنوان مطالعه موردی می‌پردازیم. پژوهش حاضر دارای رویکرد توصیفی-تحلیلی است و گردآوری اطلاعات و مستندات به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. در این پژوهش برای درک بهتر کانسپت طراحی محوطه‌های مورد بررسی، مطالعه مقایسه‌ای با سایر محوطه‌های نیایشگاهی دوره ماد انجام شده است و همانندی‌ها، تفاوت‌ها و ویژگی‌های آن‌ها در انتها ذکر شده است.

## پیشینه پژوهش

نوشیجان: تپه نوشیجان در سال ۱۳۴۳ خورشیدی موردشناسایی قرار گرفت. در سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۶ طی ۵ فصل باستان‌شناسی توسط مؤسسه ایران‌شناسی بریتانیا به سرپرستی دیوید استروناخ عملیات

کاوش و مرمت در تپه انجام پذیرفت. دستاورد فعالیت‌های این هیئت، شناسایی سه دوره معماری باستانی متعلق به روزگار فرمانروایی مادها، هخامنشیان و اشکانیان است که مهم‌ترین و باستانی‌ترین لایه مربوط به سکونت اقوام ماد در این تپه از نیمه دوم قرن هشتم ق.م مسیح تا نیمه نخست قرن ششم ق.م است (استروناخ و رف، ۱۳۹۰، ۴-۱). پروفیسور بوکونیا نیز وظیفه کارکردن بر روی استخوان‌های حیوانی نوشیجان را بر عهده داشت. در جریان این کاوش‌ها افرادی همچون هایدو روزان، محمد زمریدیان و وستا سرخوش به‌عنوان نمایندگان مرکز باستان‌شناسی ایران حضور داشتند. گزارش اصلی کاوش در این پنج فصل در قالب ۴ کتاب برنامه‌ریزی شده بود اما تنها ۲ جلد آن منتشر شده است. جلد اول در سال ۲۰۰۷ منتشر شد و به معماری مادی نوشیجان اختصاص دارد. جلد سوم را جان کرتیس در سال ۱۹۸۴ منتشر کرد. که در این جلد به اشیاء کوچک کشف شده در نوشیجان پرداخته شده است. جلد دوم و چهارم منتشر نشده‌اند و به ترتیب در ارتباط با سفال نوشیجان و استقرار دوره اشکانی آن است (همان، ۱۳). ازبکی: با توجه به تحقیقات صورت

آیین دیوپرستی است. «و در میان این مردمان، یکی از آن‌ها بود که پیش از این دیوان را ستایش می‌کردند و آنگاه به خواست اهورامزدا، دیو کده را خراب کردم و ممنوع کردم که دیوان ستایش نشوند! در آنجا که پیش از این، دیوان ستایش می‌شدند، من اهورامزدا را ستایش کردم.» نسخه پارسی باستان کتیبه از سر کوب قیام در یکی از کشورها و از تخریب یکی از معابد دیوها توسط خشایارشا صحبت می‌کند، در حالی که نسخه اکدی با هر دو اسم از جمع استفاده می‌کند (Dandamaev & Lukonin, 2004, 353).

به نظر می‌رسد که بر خلاف حال حاضر که بر سر اقوام شورشی و گستردگی جغرافیایی شورش آنان عقیده واحد وجود ندارد، در آن زمان بر همگان عیان بوده است که اقوام مذکور در کتیبه چه کسانی بوده‌اند، از این رو تا حدی عموم از جزئیات حادثه مطلع بودند که احتیاج به ذکر نام اقوام شورشی نبوده است. اما باید در نظر داشت که در کتیبه اشاره نشده است که اقوام شورشی همان دیوپرستان بوده‌اند که معابد آنان نابود گشته و آنها را از پرستش دیوان منع نمودند، بلکه بیشتر به نظر می‌رسد که مقصود از اقوام شورشی و دیوپرستان در کتیبه دو گروه متفاوت بوده‌اند، به همین جهت در کتیبه آورده می‌شود: «و در میان این مردمان، یکی از آن‌ها بود که پیش از این دیوان را ستایش می‌کردند و...»، گویا در خود کتیبه هم سعی بر ایجاد تمایز میان اقوام شورشی و این قوم، که دیوان را ستایش می‌کردند، بوده است. هر تسفلد که اولین مقالات را راجع به این کتیبه منتشر کرد، معتقد است که گروه دیوپرست همان مادان بودند و دیوها همان خدایان پیش از زردشت هستند که خشایارشا معابد آنان را نابود کرد و مردم را از پرستش دیوها منع کرد (Herzfeld, 1947, 401). اولمستد هم معتقد بود که خشایارشا در کتیبه خود به خدایان ایران شرقی اشاره می‌کند و همچنین باور داشت دیوپرستان همان ایرانیانی بودند که همچنان برتری اهورا مزدا را نپذیرفته بودند (Olmstead, 1948, 231-232). داندامایف هم معتقد است این خدایان ایران شرقی همان میترا و آناهیتا هستند که پیش از اهورامزدا پرستیده می‌شدند (Dandamayev, 1976, 226). به همین جهت می‌توان نتیجه گرفت که دیوپرستان مورد اشاره در کتیبه ضد دیو خشایارشا اقوام غیر ایرانی نبودند و آیینی که خشایارشا به ستیز با آن برخاست همان آیین مادان است که ایزدان آنان از دیرباز دیو خوانده می‌شدند.

### منظور از دیویسنی و مزدیسنی

در میان اقوام آریایی دو گروه از خدایان مورد پرستش و احترام بودند که با گذشت زمان میان این دو دسته از خدایان اختلاف و تفاوت پدید آمد. خدایانی که اسورا یا اسوره نام داشتند و گروه دیگر که دیو نامیده می‌شدند. پس از انشعاب و جدایی، هر کدام از این خدایان برای یک دسته از مردمان معتبر گردیدند (سامی، ۱۳۸۹، ۶۷). در گاهان، کهن‌ترین بخش اوستا آمده است که: دیوان خدایان دشمن هستند، به عبارت دیگر دیوان ایزدان جامعه شرق هستند که با جامعه باورمند به گاهان اختلاف دارند و رفته رفته به صورت خدایان دروغین درمی‌آیند و در آیین مزدیسنای ایران، زردشت به نبرد با همین دیوان برمی‌خیزد که خدایان آیین باستانی‌تر هستند. همین دیوها رفته رفته تبدیل به انبوهی از اهریمنان می‌شوند که برای نابودی آنان به مرور زمان قوانینی وضع می‌شود (آموزگار، ۱۳۷۱، ۱۶-۱۷). دیوها گروهی از خدایان آریایی

گرفته، مشخص شد که قدمت لایه‌های معماری تپه ازبکی هزاره هفتم ق.م بر می‌گردد و در سال ۱۳۴۸ قسمت‌هایی از آن توسط کاوشگران مرکز باستان‌شناسی مورد کاوش قرار گرفت و موجب شد با شماره ۹۵۵ در سال ۱۳۵۲ در لیست آثار ملی کشور به ثبت برسد. پس از آن یحیی کوثری طی سال‌های ۵۴-۱۳۵۳ و ۱۳۵۷ تپه مرکزی ازبکی را مورد کاوش قرار داد. پس از آن تپه ازبکی در شش فصل دیگر از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ به سرپرستی یوسف مجیدزاده مورد حفاری قرار گرفت (مجیدزاده، ۱۳۸۹، ۳۵-۴۱). زار بلاغ: پیش از کاوش‌های علمی باستان‌شناسی این محوطه مورد دستبرد حفاران غیر مجاز قرار گرفت. این محوطه نخستین بار در سال ۱۳۴۵ مورد کاوش تجاری قرار گرفت که عبدالحسین شهیدزاده مأمور نظارت بر حفاری بود. متأسفانه گزارش این حفاری اکنون موجود نیست هر چند بعدها یادداشت‌هایی کوتاه در آن باب به چاپ رسید. در همین یادداشت‌ها به کشف آثاری از دوره سلوکی اشاره شده است که احتمالاً مربوط به استقرار دوره‌های بعدی محوطه است. پس از یک وقفه‌ی طولانی و در زمستان سال ۱۳۸۵ مهرداد ملکزاده تحقیقات را در زار بلاغ از سر گرفت که شامل نقشه برداری توپوگرافی، نمونه‌برداری تصادفی ساده و حفاری چند ترانشه در تپه اصلی و گورستان بود (ملکزاده، ۱۳۸۲، ۵۳-۵۴؛ Malekzadeh at al, 2014, 162).

### مبانی نظری پژوهش

#### کتیبه ضد دیو خشایارشا (XPh)

این کتیبه را روی یک راه آب در تل تخت پاسارگاد قرار داده بودند. کشف این کتیبه در پاسارگاد، مدت‌ها پس از مرگ کوروش، نشانه توجه به این کاخ در زمان خشایارشا است. همچنین حضور این کتیبه در آنجا بی‌ارتباط با محوطه مقدس پاسارگاد نبوده است. این کتیبه شباهت‌هایی با کتیبه داریوش در نقش رستم (DNa) دارد، به‌ویژه آنکه کتیبه نقش رستم آخرین متن سلطنتی داریوش است و (XPh) یکی از نخستین متون سلطنتی خشایارشا به‌عنوان پسر و جانشین داریوش است.

تاریخ دقیق نگارش کتیبه ضد دیو را می‌توان از اشاره آن به ایونی‌های کرانه‌های غربی آسیای صغیر و نیز سرزمین اصلی یونان به دست آورد. هر تسفلد در نخستین مقالات خود، اشاره به (ایونی‌های ساکن در دریا) در کتیبه مذکور را، منطبق با یونانیان کرانه‌های غربی آسیای صغیر پنداشت و بنابراین، زمان نفر کتیبه را میان ۴۸۶ تا ۴۸۰ ق.م دانست. وی بعدها مدعی شد یونانیان سرزمین اصلی، در متن کتیبه مقصود نبوده و بنابراین زمان کتیبه را به فاصله ۴۷۹ تا ۴۷۲ ق.م فرض می‌نماید. هر تسفلد سرانجام سال ۴۷۸ ق.م را پذیرفت که تقریباً به زمان کنت، یعنی ۴۷۹ ق.م نزدیک است (عبدی، ۱۳۹۹، ۲۶۷). خشایارشا در بند چهارم به اقوامی اشاره می‌کند که به هنگام جلوس او بر تخت، طغیان کرده بودند: «هنگامی که من شاه شدم، در میان مردمانی که در بالا اسمشان نوشته شد، یکی از آن‌ها شورش کرده بود. آنگاه، اهورامزدا مرا یاری کرد؛ به خواست اهورامزدا، من این مردم را شکست دادم و آن‌ها را سر جای خود نشاندم.» (بند ۴) مشخص نیست مقصود خشایارشا کدام مردم است و ما قوم مورد نظر کتیبه را نمی‌شناسیم و نمی‌دانیم که چرا خشایارشا دقیقاً نامی از آن‌ها نبرده است (بریان، ۱۳۹۱، ۸۷۵).

در بند پنجم، مهم‌ترین خصیصه این کتیبه نهفته است و آن اشاره به مردمان دیوپرست و تخریب دیو کده‌های آنان و ممنوع اعلام کردن

حاجی خان اظهار نظر نمود (همان، ۱۰۶). علاوه بر حاجی خان فامنین، فضاهای نیایشگاهی دیگری که در این مقاله به آن‌ها اشاره می‌شود عبارت‌اند از: نوشیجان تپه ملایر (Stroach, 1967)، زار بلاغ علی آباد قم (Malekzadeh at al., 2014)، واسون کهک (ملکزاده، ۱۳۸۳)، دژ مادی ازبکی (مجیدزاده، ۱۳۸۲) و تخرچرآباد بیرجند (دانا، ۱۳۹۴)، محوطه‌های دیگری هم از دوره ماد دچار پرشدگی شده‌اند از جمله: موش تپه (Malekzadeh at al., 2014) و الغ تپه (Xin & Lecomte, 2012) در ترکمنستان امروزی. پژوهشگران و باستان‌شناسان نامبرده در بالا، در کاوش‌های خود شواهد پرشدن بدون تخریب بناهای مذکور را ثبت کرده‌اند. محوطه‌های مذکور بدون هتک حرمت به طور کامل پر شده‌اند و در انتها کاملاً مهر و موم شده‌اند تا دسترسی به آن‌ها ممکن نباشد (رسم توضیحی ۱).

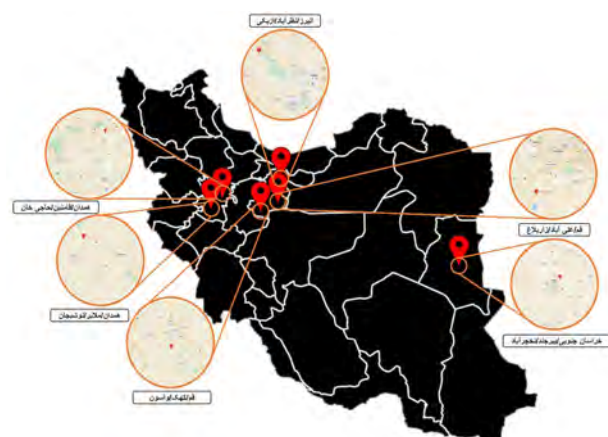
### بستر محیطی

#### موقعیت جغرافیایی نوشیجان تپه

تپه باستانی نوشیجان در دشت ملایر بر پشته‌ای مرتفع سر برآورده است. این دشت در میان کوهستان و چین خوردگی‌های زاگرس مرکزی و غرب ایران واقع شده است. فاصله محوطه باستانی نوشیجان از جنوب همدان حدوداً ۶۰ کیلومتر و از شمال-غرب شهرستان ملایر ۲۰ کیلومتر می‌باشد. این محوطه باستانی بیضوی شکل که در شرق آن دارای پشته‌های کوچکتری است در ارتفاع ۳۷ متری بر روی تپه اصلی واقع شده و با توجه به محوطه‌های باستانی و تاریخی پیرامونش، تقریباً در میانه دشت قرار دارد. وجود دیگر آثار باستانی، منظری و طبیعی در اطراف آن و عبور راه‌های مهم باستانی در حوالی آن از جمله راه شاهی شوش به هگمتانه، حکایت از اهمیت این محوطه باستانی در آن دوران دارد. مجموع مساحت فضای واقع در روی تپه اصلی حدوداً ۱۰۰ متر می‌باشد.

#### موقعیت جغرافیایی زار بلاغ علی آباد

تپه زار بلاغ در حوالی کیلومتر ۷۰ جاده تهران-قم در نزدیکی اتوبان و در منطقه علی آباد قرار دارد. زار بلاغ محوطه‌ای وسیع است که بر روی پشته‌ها و پستی و بلندی‌های طبیعی شکل گرفته است. بر روی یکی از پشته‌ها که تقریباً در مرکز محوطه واقع شده است، بنایی دیده می‌شود که از سنگ لاشه ساخته شده و بر روی سطح محوطه سفالینه‌های



رسم توضیحی ۱- محل قرارگیری محوطه‌های مورد بررسی نسبت به یکدیگر بر نقشه ایران.

بودند که جایگاه مقدس خود را در آیین باستانی ایران از دست دادند و روند شیطان سازی را طی کردند و به مرور نزد ایرانیان مزدپرست، خدایان دروغین و دیو قلمداد شدند (Abdi, 2007, 55).

مزدپرستی به شیوه‌ای که در شرق ایران موسوم بود در اثر نفوذ آیین ترکیبی که پس از نگارش گاهان پدید آمد، آیین زردشت را با آیین ایزدان مقبول مادها تلفیق کرد. اوستای جدید، مزدپرستان (مزدیسنان) را در قطب مخالف دیوپرستان (دیویسنان) قرار می‌دهد. در یشت‌های کهن که در شرق ایران به رشته تحریر درآمد، دیویسنان نشانگر دشمنانی است که ویشتاسپ حامی زردشت علیه آنان به نبرد بر می‌خیزد. یشت‌ها به طور کلی به رویدادهای گذشته که مملو از مضامین اساطیری است مربوط می‌شود. ولی در بخش‌هایی که از دیوها سخن رفته گونه‌ای تازگی به چشم می‌خورد و جنبه‌ای کاملاً نو و معاصر دارد و دیگر خبری از خاطرات تاریخی نیست و به دیویسنانی اشاره می‌شود که در کنار مزدپرستان زندگی می‌کنند. در واقع در سرزمین ماد و میان مزدپرستان گروهی به آیین ایرانی دیگری که در قدمت با آیین مغان پهلوی می‌زد اعتقاد می‌ورزیدند که در گویش مادی به آنان دیویسنان (در مقابل مزدیسنان) می‌گفتند. شاید دیویسنان اصطلاحی است که از مادها به دوران هخامنشی رسیده است و در این دوره این لقب به کسانی اطلاق می‌شده که با مزدپرستی اختلاف آیینی داشته‌اند، چون به آیینی که با آیین مغان مغایرت داشته است معتقد بوده‌اند و خدایان دیگری را پرستش می‌کردند (آموزگار، ۱۳۷۱، ۲۰).

#### محوطه‌های مورد بررسی

تا قبل از مطالعات و کاوش‌های باستان‌شناسی بر محوطه‌های زار بلاغ و واسون، به نظر می‌رسید معبد مرکزی نوشیجان تپه اتفاقی منحصر به فرد است که به‌عنوان یک بنای مذهبی از دوره ماد در شمال غربی ایران باقی مانده است. اما مطالعات باستان‌شناسی و کاوش‌های باستان‌شناسی در ۱۳۸۲ در زار بلاغ علی‌آباد و ۱۳۸۳ در واسون کهک نشان داد که یک پدیدار فرهنگی واحد میان نوشیجان، زار بلاغ و واسون وجود دارد که در این پژوهش به آن خواهیم پرداخت. در انتهای حیات این بناها یک سرگذشت و سرنوشت بر زار بلاغ و واسون رقم خورده است. این دو مجموعه مانند نوشیجان بناهای نیایشگاهی از دوره ماد بودند که وقتی حیات فرهنگی و مذهبی در آن منطقه به پایان رسید، با احترام و بدون هتک حرمت، مهر و موم شده‌اند تا برای آیندگان باقی بمانند (ملکزاده، ۱۳۸۳، ۴۲-۵۱؛ Malekzadeh at al., 2014, 160-174). در زمستان ۱۳۹۵ و بهار ۱۳۹۶ در محوطه پتروشیمی ابن سینای فامنین در همدان نیایشگاهی از دوره ماد یافت شد و همین امر سبب شد تا شناخت ما از فرهنگ، هنر و معماری دوره ماد بیشتر شود، چرا که این محوطه همانند نوشیجان از سازه‌های مذهبی دوره ماد است (ملکزاده و همکاران، ۱۳۹۸، ۹۲). با این تفاوت که در بخش نیایشگاهی معبد حاجی خان فامنین که آتشدان در آن واقع است، آثاری از پرشدگی مشاهده نشده است و همین امر سبب می‌شود که این محوطه کمی متفاوت از نوشیجان به نظر برسد. همچنین لازم به ذکر است که بخش‌های بیرونی این معبد هنوز کاوش نشده است، اما در بخش بیرونی دیوارهای معبد، شواهدی از پوشش خشتی در اطراف دیوارها قابل مشاهده است که با انجام کاوش در فصول بعدی، به طور دقیق می‌توان راجع به سنت مسدودسازی بخش بیرونی معبد



بسیاری پراکنده است.

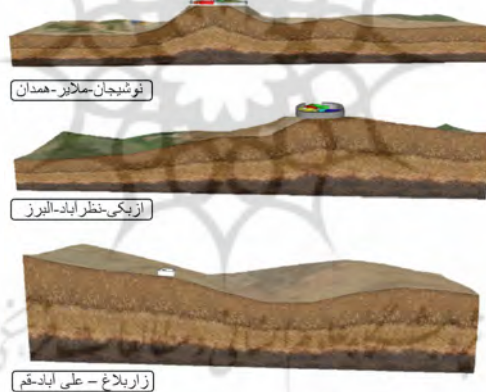
### موقعیت جغرافیایی تپه ازبکی نظرآباد

محوطه باستانی ازبکی در کیلومتر ۸۵ شمال-غرب تهران در نزدیکی شهرستان ساوجبلاغ و در ۱۵ کیلومتری جنوب-غرب شهر قدیم هشتگرد و ۵ کیلومتر از شهر نظرآباد و در شمال شرق روستای ازبکی فاصله دارد. محوطه باستانی ازبکی شامل یک تپه بلند مرکزی به ارتفاع حدود ۲۶ متر (ضخامت لایه‌های باستانی تپه تا سطح خاک بکر به حدود ۳۰ متر هم می‌رسد) و تعدادی تپه کم‌ارتفاع است که ارتفاع بلندترین آن‌ها از چند متر تجاوز نمی‌کند. این محوطه در کل مساحتی در حدود یک‌صد هکتار را پوشش می‌دهد و مجموع فضای روی تپه

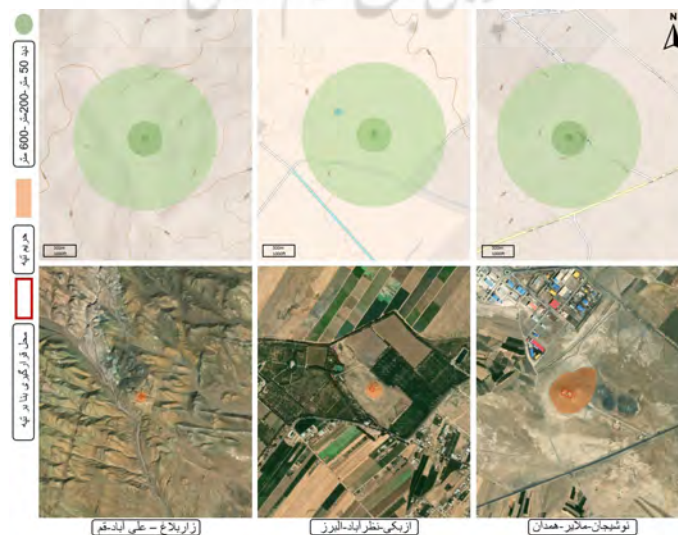
اصلی حدوداً ۱۰۰۰ متر مربع است (مجیدزاده، ۱۳۸۹، ۴۲). هر سه محوطه بر تپه و بالاتر از سطح زمین اطراف خود قرار گرفته‌اند، با این تفاوت که ازبکی و نوشیجان تک بنا نیستند و یک مجموعه معماری به حساب می‌آیند و طبعاً وسعت بیشتری از زاربلاغ به عنوان یک بنای مستقل دارند (رسم توضیحی ۲). از این منظر، تفاوت سطح اشغال شده در محوطه‌ها در تصویر هوایی (رسم توضیحی ۲) قابل مشاهده و مقایسه است که زاربلاغ به مراتب کوچک‌تر از ازبکی و نوشیجان است. همین امر در قرارگیری این محوطه‌ها بر بستر مکانی اثرگذار بوده است، نوشیجان در دشت ملایر و ازبکی در دشت نظرآباد قرار گرفته‌اند و تپه‌هایی که این دو محوطه بر آن‌ها قرار گرفته‌اند از سطح دشت بالاتر هستند و این محوطه‌ها دید مناسبی از اطراف به دشت دارند و به آن مشرف‌اند. این



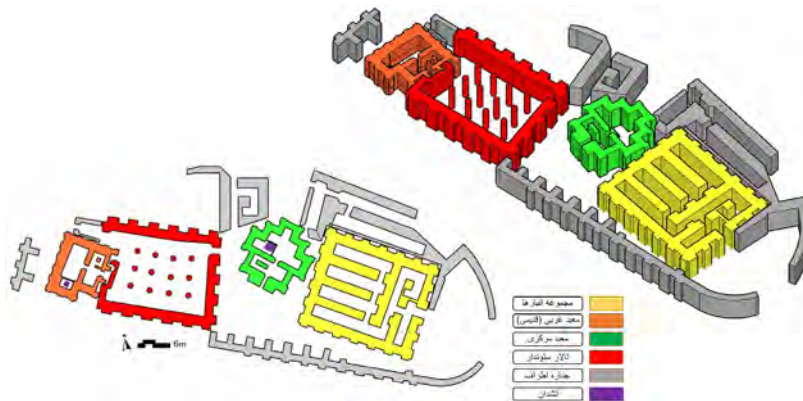
رسم توضیحی ۲- برش سه‌بعدی عوارض طبیعی. مأخذ: (3d-mapper.com)



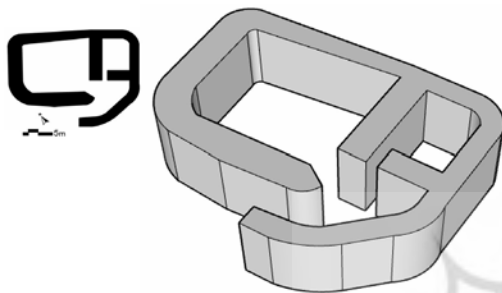
رسم توضیحی ۳- برش محل قرارگیری محوطه‌ها بر سایت پلان. مأخذ: (3d-mapper.com)



رسم توضیحی ۴- نقشه توپوگرافی و تصاویر ماهواره‌ای. مأخذ: (topographic-map.com)



رسم توضیحی ۵- پرسپکتیو و پلان محوطه نوشیجان، تفکیک فضاهای معماری، بازترسیم از نگارندگان. مأخذ: (استروناخ و رف، ۱۳۹۰، ۱۶)



رسم توضیحی ۶- پرسپکتیو و پلان محوطه زاربلاغ - فضای معماری، بازترسیم از نگارندگان. مأخذ: (Malekzadeh at al., 2014, 161)

توجه به مدارک موجود پوشش فضای پیشخوان و راه پله مارپیچی بنا با استفاده از تویزه-های خشتی صورت گرفته است (همان، ۱۲۵).

### معبد غربی

بنای غربی در غربی‌ترین نقطه مجموعه نوشیجان واقع شده است. این بنا دومین بنای بزرگ محوطه نوشیجان است که در فاصله ۲۵ متری معبد مرکزی قرار دارد. نمای شرقی این بنا در کاوش سال ۱۹۶۷ شناسایی شد و در سال ۱۹۷۰ حفاری در تعداد دیگری از اتاق‌های این بنا انجام شد. نتایج حفاری‌های صورت گرفته یک بنای کامل دو طبقه بود که کشیدگی شمالی-جنوبی با کمی تمایل به سمت شمال-شرقی دارد. این بنا در جهت شمالی-جنوبی ۱۴ متر و در جهت شرقی-غربی ۱۳ متر طول دارد که کمی کوچک‌تر از بنای معبد مرکزی است. می‌توان گفت طول و عرض آن تقریباً برابر است (Stronach and Roaf, 2007, 67-68).

### زاربلاغ علی آباد قم

#### بنای سنگی (نیایشگاه مادی)

بنای سنگی زاربلاغ نقشه و سازه‌های پیچیده دارد و تقریباً به تمامی با تخته سنگ و لاشه سنگ‌های بزرگ و کوچک و با ملات گل ساخته شده است (رسم توضیحی ۶). در دیوار شرقی اتاق بزرگ‌تر، دیوار مشترک میان دو اتاق به بلندی تقریبی ۸ متر بیشترین ارتفاع باقی‌مانده بنا را حفظ کرده است. بیشترین شواهد و قرائن دوطبقه بودن بنا در اینجا در دیوار جنوبی اتاق کوچک‌تر حفظ شده که در اینجا بقایای سقف طبقه پایینی و بقایای کف درگاهی طبقه بالایی دیده می‌شود (Malekzadeh at al., 2014, 167-168). از کف طبقه دوم بنا به غیر از داغی از آن بر روی دیوارها و حفره‌هایی برای کار گذاشتن چوب سقف طبقه پایینی چیزی باقی نمانده است (تصویر ۱). طبقه پایین عبارت است

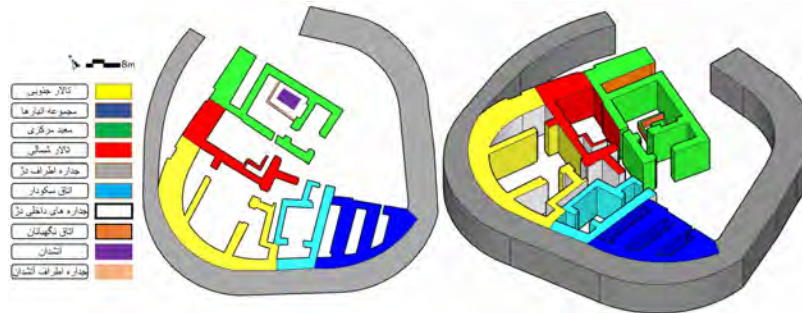
اشراف محوطه‌ها در (رسم توضیحی ۴) با دید ۵۰ متر و ۲۰۰ متر و ۶۰۰ متر نشان داده شده است. در نقشه‌های توپوگرافی می‌توان عوارض و بلندی‌های منطقه و جایگاه محوطه‌ها نسبت به آن‌ها را سنجید. برخلاف نوشیجان و ازبکی، زاربلاغ در بستر دشت قرار ندارد و بستری که بر آن واقع است، یک منطقه سراسر ناهموار است که در نقشه‌های توپوگرافی (رسم توضیحی ۴) قابل مشاهده است. نحوه قرارگیری بناها در محوطه در (رسم توضیحی ۳) نشان داده شده است. در این رسم می‌توان به وضوح مشاهده کرد که میزان اشراف مجموعه‌های معماری نوشیجان و ازبکی به محوطه پیرامونی به مراتب بیش از زاربلاغ به‌عنوان تک‌بناست.

### نوشیجان تپه ملایر

نوشیجان تپه در فاصله سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۷ توسط یک هیأت انگلیسی به سرپرستی دیوید استروناخ مورد کاوش قرار گرفت که در نتیجه آن مجموعه بناهای ارزشمندی که کمک بزرگی به شناخت معماری ماد می‌کند، کشف گردید (رسم توضیحی ۵). مجموعه مکشوفه در رأس تپه و در اصل داخل حصاری بیضی‌شکلی قرار داشته و شامل بنای معبد مرکزی (که در نقطه مرکزی تپه قرار گرفته و مهم‌ترین بنای مجموعه به‌شمار می‌رود)؛ معبد غربی قدیمی، مجموعه انبارها، تالار ستون‌دار، فضاهای طاق‌دار جنوبی و غربی و بقایای بناهای دیگر می‌شود. آثار مکشوفه ویژگی‌های بسیار مهمی دارند که عبارتند از: کشف دو بنای مهم مذهبی که اطلاعات ارزشمندی در خصوص مراسم‌های مذهبی و معماری مذهبی مادها فراهم می‌کنند، تنوع زیاد در گونه‌شناسی بناها (معبد، قلعه، انبار، تالار ستون‌دار، فضاهای طاق‌دار، آب‌انبار و تونل)، تنوع زیاد در تزئینات معماری خشتی و ماندگاری جزئیات و تکنیک‌های خاص معماری که در دیگر محوطه‌های باستانی نمونه‌ای برای آن‌ها نمی‌توان پیدا کرد (ملازاده و محمدیان منصور، ۱۳۹۰، ۱۲۱).

### معبد مرکزی

معبد مرکزی مهم‌ترین بنای محوطه نوشیجان است که به هنگام پایان حیات آن با دقت بسیار با قطعات خرده سنگ، به ارتفاع ۶ متر، سپس با لایه‌های متناوب گل و سنگ و در نهایت با لایه‌های خشت و گل انباشته شده و در میان پوشش برجی شکل از خشت و گل مدفون شده است. هم‌زمان با انباشت داخلی، بنا از بیرون نیز با پوسته‌ی ضخیمی از خشت و گل دربر گرفته شده و در نهایت بنا در میان برجی نیم‌دایره شکل، مدفون شده است. اقدامات مزبور سبب شده که علیرغم گذشت بیش از ۲۶۰۰ سال، بنا در وضعیت بسیار خوبی باقی بماند. با



رسم توضیحی ۷- پرسپکتیو و پلان محوطه ازبکی، تفکیک فضاهای معماری، باز ترسیم از نگارندگان. مأخذ: (مجیدزاده، ۱۳۸۹، ۱۱۹)



تصویر ۲- بنای سنگی و دیوارهای متصل به آن، از سمت شمال.  
مأخذ: (Malekzadeh et al., 2014, 180)



تصویر ۱- تصویر جای تیرهای جامانده در جداره بنا- زارتابلغ.  
مأخذ: (Malekzadeh et al., 2014, 181)

(۲۲۱). در پایان حفاری در دژ ازبکی در مجموع ۱۷ فضای معماری در ابعاد گوناگون به ثبت رسید که می‌توان آن‌ها را در مجموعه‌های زیر دسته‌بندی کرد: باروی پیرامون دژ، حیاط بزرگی که بخش شرقی دژ را اشغال کرده بود، انبارهای گوشه جنوبی، تالار بزرگ جنوبی (در گوشه جنوب غربی)، تالار شمالی در میانه غرب دژ (در حدفاصل تالار معبد و تالار بزرگ جنوبی)، اتاق بزرگ سکودار همسایه شرقی تالار بزرگ جنوبی در جنوب دژ، تالار معبد (همسایه شمالی تالار شمالی در منتهالیه شمال-غرب دژ، اتاق نگهبانان در شمال-غرب تالار شمالی، یک صندوقخانه متعلق به مراحل پایانی حیات دژ در انتهای غربی تالار معبد، تاسیسات آشپزخانه‌ای در پشت باروی دژ در انتهای شمال-غرب تپه و به احتمال فراوان دو واحد دیگر یکی راه دقیق صعود به بالای تپه و دیگری دروازه ورود به دژ، محلی در نزدیکی اتاق دروازه‌بانان که باید به آن‌ها افزوده شود. این واحدها کاملاً مستقل از یکدیگر و بدون راه ارتباطی از درون ساخته شده و تنها ارتباط آن‌ها با یکدیگر از طریق حیاط امکان‌پذیر بود (همان، ۲۲۱). مهم‌ترین فضاهای معماری در نیمه غربی دژ واقع شده بودند، زیرا باروی دژ در این قسمت کاملاً مستقیم بود و به مهندسان و معماران اجازه می‌داد با دست بازتری نقشه فضاهای معماری وسیع‌تر را پیاده کنند. و دو تالار و یک تالار معبد در این قسمت بنا شده بود. افزون بر آن، گوشه‌های گونیا شده این سه تالار نشان می‌داد که نقشه این بخش از ساخت و سازها اصل قرار گرفته و سپس سعی شده است امتداد دیوارها و گوشه‌های دیگر فضاهای معماری در جنوب و جنوب-غرب دژ با آن‌ها انطباق داده شود (همان، ۲۳۳). فضاهای معماری در محدوده دژ در بخش‌های شمالی، غربی و جنوبی متمرکز شده و تمامی شرق و شمال-شرق آن برای حیاط بزرگی به وسعت تقریبی ۳۵۰ متر مربع اختصاص یافته بود. به استثنای تاسیسات آشپزخانه‌ای که در بیرون از محدوده دژ قرار داشت، کف فضاهای مختلف به طور کامل کاوش نشده‌اند. اما در نقاطی که کاوش‌ها به سطح کف رسیده‌اند مشخص شده که کف‌ها ابتدا با خشت فرش

از دو اتاق به هم چسبیده یکی بزرگ‌تر ۵×۵ متر و دیگری کوچک‌تر ۳×۳ متر که راه دسترسی به اتاق کوچک‌تر از درگاهی است (Ibid., 168-170). برای ساختن بنا تمهیدات خاصی اندیشیده‌اند بدین ترتیب که نخست در دل پشته طبیعی در جناح غربی به ابعاد سازه مورد نظر زمین را کنده‌اند و حدوداً تا عمق ۵ متر پایین رفته و پی بنا را بر آن استوار کرده‌اند. این تمهید از یک سو موجب حفاظت جسم بنا از سمت غرب در پشته طبیعی شده و از سوی دیگر کل بنا را تحت‌تاثیر قرار داده و موجب مخروطی شدن سازه شده، بدین معنی که قاعده کل بنا و هر اتاق بیضوی شده و هر چه بر ارتفاع بنا افزوده می‌شد دیوارها به هم نزدیک‌تر و از ابعاد سازه کاسته می‌شده است (تصویر ۲). ورودی بنا هم در جبهه جنوبی است. کاربری بنا هم چنانچه از سازه پیداست بناپی استحکاماتی نیست، کاخ یا کوشکی شاهانه هم نیست بنابراین احتمالاً با توجه به ساختار ویژه‌اش می‌توان آن را بناپی آیینی به‌شمار آورد (Ibid., 168-172). در این محوطه هیچ اثری از وجود آتشدان یافت نشد.

## تپه ازبکی نظر آباد

### محوطه

آثار به‌دست‌آمده از این محوطه معرف استقرار از اوایل هزاره ششم یا اواخر هزاره هفتم ق.م تا اواسط هزاره اول ق.م است. این دوره طولانی از قدیم به جدید به چهار دوره اصلی استقرار تقسیم شده است که طبقه چهارم آن معرف استقرار از عصر آهن سه یا دوره ماد است که تحت عنوان دژ مادی در منابع به آن اشاره شده است. بقایای دژ حدود ۱۰۰۰ مترمربع وسعت دارد. دژ مزبور را حصار مستحکم به ضخامت حدود ۵ متر دربر گرفته است. طرح خاص این حصار به احتمال بسیار متأثر از شکل و توپوگرافی رأس تپه بوده است (رسم توضیحی ۷). شواهد نشان می‌دهد که ابتدا حصار مدور دژ ساخته شده است و سپس بناهای داخلی متناسب با طرح حصار شکل گرفته‌اند. برای پی این دیوار از سنگ‌های طبیعی رودخانه‌ای استفاده شده است (مجیدزاده، ۱۳۸۹،



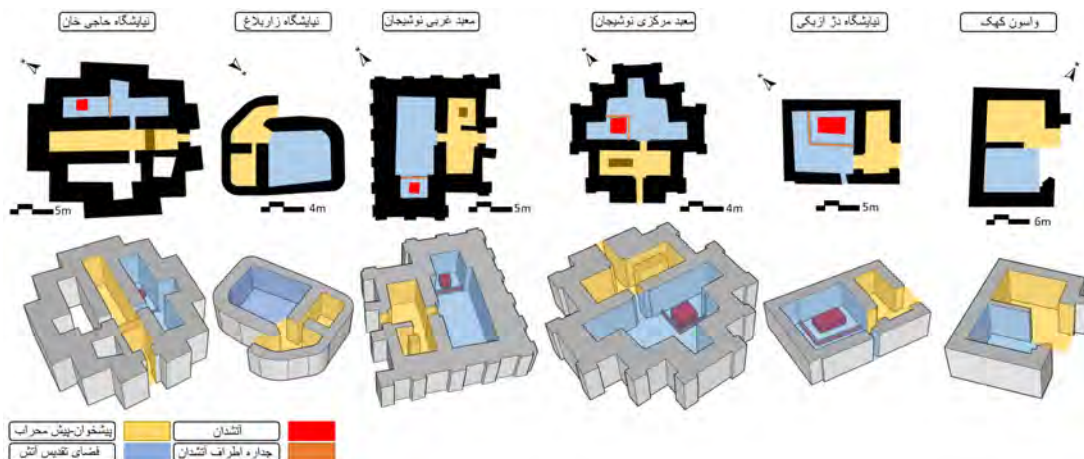
بقایای طبقه دوم و پلکان منتهی به آن - که احتمالاً یک سازه چوبی داشته است - به طور کلی نابود شده است. با توجه به آثار کف طبقه دوم بر جداره اطراف و محل قرارگیری تیرهای نگهدارنده سقف طبقه اول بر روی دیوارهای شرقی نیایشگاه، می توان تصور کرد که یک اتاق در طبقه دوم وجود داشته است که به کلی فرو ریخته است.

نیایشگاه ازبکی هم تقریباً از همین الگو برای طراحی استفاده می کند با این تفاوت که در زار بلاغ و نوشیجان فضای پیش محراب در طبقه بالاتر و با اشراف بیشتر به فضای تقدیس آتش قرار گرفته است، اما در نیایشگاه دژ مادی ازبکی فضای پیش محراب هم تراز با فضای مقدس قرار گرفته است. مجیدزاده درباره این تالار این چنین میگوید: «با توجه به وسعت این تالار، وجود چهار تاقچه تزئینی لغوزدار، سکوی مزین به آبچکان از یک سو و از سوی دیگر کاربرد این گونه سکوها در معابد پیش از تاریخ و دوران تاریخی که به سکوی نذورات شهرت دارد، شاید بتوان این فضای معماری را یک عبادتگاه به حساب آورد. عبادتگاهی که فضای درون آن همچون عبادتگاه مادی در نوشجان تپه با مصالح ساختمانی پر شده بود، با این تفاوت که در آنجا سنگ و خشت به کار رفته، حال آنکه در اینجا سنگ جای خود را به خشت داده بود» (مجیدزاده، ۱۳۸۹، ۲۲۹). در این نیایشگاه فضای تقدیس آتش از فضای بیرونی هم یک ورودی مجزا دارد ولی ورودی اصلی آن از فضای پیش محراب می گذرد (رسم توضیحی ۸). متأسفانه بخش اعظمی از دیوار بین فضای پیش محراب و تقدیس آتش، پیش از کاوش های باستان شناسی از بین رفته بود ولی گمان می رود که مانند نیایشگاه مرکزی نوشیجان تپه در این دیوار روزنه ای به سمت فضای مقدس وجود داشته است تا افرادی که اجازه حضور در فضای مقدس را نداشتند، بتوانند به واسطه این پنجره مراسم را مشاهده کنند. اما شواهد امروزی از این دیوار در حدی نیست که بتوان با قطعیت چنین نظریه ای پرداخت. ملازاده درباره ی احتمال وجود پنجره در دیوارهای این نیایشگاه این چنین می گوید: «همچنین در ارتفاع کاوش شده دیوارها، هیچ نشانه ای از پنجره به دست نیامده است، از این رو احتمال دارد همانند بنای قلعه نوشیجان پنجره یا نورگیرها در انتهای فوقانی دیوارها که از میان رفته اند تعبیه می شده است» (ملازاده، ۱۳۹۶، ۲۹۶). این دقیقاً همان کارکردی است که در زار بلاغ و نوشیجان مشاهده می شود ولی در نیایشگاه دژ مادی ازبکی در طبقه بالاتر قرار نگرفته است. به طور کلی می توان فرض کرد که فضای تقدیس آتش

شده و سپس سطح آن ها با گل اندود شده است (ملازاده، ۱۳۹۶، ۲۹۶). شمالی ترین فضای معماری در دژ ازبکی تالار معبد بود که ۱۱ متر طول و ۶/۸۰ متر عرض داشت و از این لحاظ بزرگترین فضای معماری در دژ بود. فضای درون این تالار که نیایشگاهی بوده است، پیش از تخلیه دژ و پایان حیات اصلی دژ، به طور کامل با خشت چین پر شده بود (مجیدزاده، ۱۳۸۹، ۲۲۸). به نظر می رسد بعد از پایان حیات اصلی دژ تغییراتی در آن صورت گرفته و استقرار کم اهمیت تری شکل گرفته است. در جریان این تغییرات بخش زیادی از تالار سکودار با خشت و ملات گل پر شده و همچنین توده بزرگی از خشت در حیاط بزرگ انباشت شده است. در جمع بندی باید گفت که دژ طبقه چهارم ازبکی با توجه به گونه شناسی سفال و نیز ویژگی های معماری، مربوط به عصر آهن سه است و با توجه به تشابهات معماری و نیز حضور مسلط مادها در منطقه، می توان این دژ را مقر یکی از حاکمان محلی دانست (همان، ۱۳۴۲). فضاهای داخلی آن نیز برای سکونت، مراسم و تشریفات و بخشی نیز احتمالاً برای انجام مراسم های مذهبی مورد استفاده قرار می گرفته است. ساخت بنای ازبکی به اواخر دوره ماد و پر شدگی آن به اوایل دوره هخامنشی برمی گردد (مجیدزاده، ۱۳۸۲، ۱۰۱-۱۰۲).

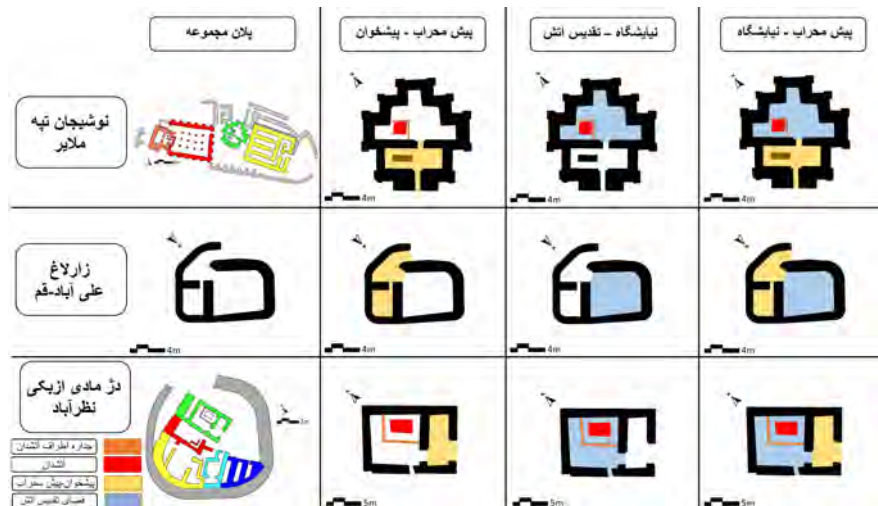
### تحلیل معماری فضای نیایشگاهی در نوشیجان تپه و زار بلاغ و دژ مادی ازبکی

ابتدا باید اشاره کرد که نیایشگاه مرکزی چلیپا شکل نوشیجان دارای سه فضای معماری بوده که یک فضا از دو فضای دیگر مجزا بوده و آن دو فضای دیگر، با یکدیگر در تعامل بودند. فضای معماری مجزا، فضای تقدیس آتش است که به جهت تفکیک در ترسیمات با رنگ آبی مشخص شده است. (رسم توضیحی ۸) فضای دوم متشکل از یک اتاق به عنوان پیش محراب در طبقه دوم است که با پنجره ای به مراسم های انجام شده در فضای تقدیس آتش اشراف داشته است. فضای سوم متشکل از یک پیشخوان و راه پله است که دسترسی به اتاق طبقه دوم از طریق آن بوده است. این دو فضا در مجاورت و تعامل با یکدیگر قرار داشتند و به همین جهت این دو فضا با هم در ترسیمات با رنگ زرد مشخص شده اند. (رسم توضیحی ۸). باید اشاره کرد که این سه فضا در نیایشگاه زار بلاغ علی آباد هم وجود دارند اما فرم چلیپا شکلی که در نیایشگاه مرکزی نوشیجان وجود دارد، در زار بلاغ جای خود را به یک چهار ضلعی با گوشه های گرد و منحنی داده است. متأسفانه



رسم توضیحی ۸ - پلان دو بعدی محوطه ها و پرسپکتیو سه بعدی آن ها، باز ترسیم نگارندگان.





جدول ۱- تحلیل جانمایی فضای پیش محراب و نیایشگاه، باز ترسیم و تحلیل پلان از نگارندگان.

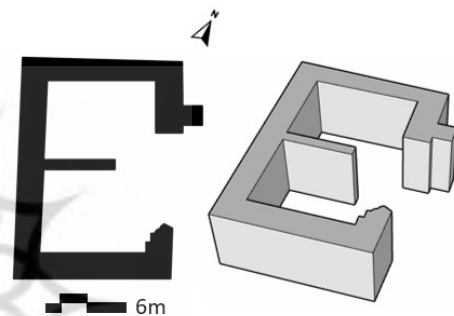
بحث در این پژوهش، بناهای دیگری از جمله بنای سنگی واسون کهک، نیایشگاه حاجی خان فامنین و نیایشگاه غربی نوشیجان تپه نیز سنجیده شده‌اند.

### بررسی محوطه‌های مشابه واسون کهک

بررسی معماری و سازه بنای واسون در کهک نشان می‌دهد که فضاهای پیشخوان و پیش محراب و فضای تقدیس آتش در آن مانند نوشیجان و زاربلاغ است، اما نه با پلان چهارضلعی با گوشه‌های مدور یا چلیپا شکل، این بار با پلان چهارگوش (رسم توضیحی ۹). به نظر می‌رسد که بنای واسون کهک نیز یک نیایشگاه مادی بوده است ولی به جهت تخریب‌هایی که توسط حفاران غیر مجاز برای محوطه رقم خورده است بخش‌هایی از اندود بیرونی که جهت مهر و موم کردن بنا استفاده شده بود و بخش‌هایی از دیوارهای اصلی بنا تخریب شده است. تحلیل مفهومی ریز فضاهای این بنا و توجه به اینکه این بنا هم مانند نمونه‌های ذکر شده مهر و موم شده است فرضیه نیایشگاه بودن این بنا را تقویت کرده است (ملکزاده، ۱۳۸۳، ۴۲-۵۱). در این محوطه هیچ اثری از وجود آتشدان یافت نشد.

### حاجی خان فامنین

پس از کاوش‌های زمستان ۱۳۹۵ و بهار ۱۳۹۶ و کشف معبد حاجی خان فامنین و یافتن آتشدانی بسیار مشابه با نمونه‌ای که در نیایشگاه مرکزی نوشیجان تپه یافت شد، می‌توان ادعا کرد که این بنا هم یک نیایشگاه مادی دیگر است. بنا از نظر فرم شباهت زیادی با نیایشگاه مرکزی نوشیجان دارد ولی هنوز شواهدی بر اثبات پرشدگی در فضای نیایشگاهی این محوطه وجود ندارد و بخش‌های چهار و پنج و شش که روی نقشه (رسم توضیحی ۱۰) قابل مشاهده هستند، پر شده‌اند که کاربری مذهبی نداشته‌اند و این بنا را نمی‌توان مانند نوشیجان و سایر محوطه‌های مذکور در این تحقیق نیایشگاه مهر و موم شده دانست (ملکزاده و همکاران، ۱۳۹۸، ۹۲-۱۰۸). با توجه به عدم کاوش در تمام بخش‌های بیرونی معبد چلیپایی، این نکته مسلم است که تا زمانی که تمام دیوارها و فضاها از زیر خاک خارج نشده و کاوش در بخش‌های



رسم توضیحی ۹- پرسپکتیو و پلان واسون کهک (نمایش دیوار ریخته شده)، باز ترسیم نگارندگان. مأخذ: (ملکزاده، ۱۳۸۳، ۴۲)

یک فضای معماری با ماهیت جداگانه از دو فضای دیگر است و با توجه به آتشدانی که در نیایشگاه مرکزی نوشیجان تپه و نیایشگاه دژ مادی ازبکی وجود دارد می‌توان ادعا کرد که این نیایشگاه‌ها دارای فضایی با استقلال مفهومی از سایر بخش‌های مجموعه هستند. احتمالاً ورود به این فضا در زمان مراسم‌های آیینی برای همگان مجاز نبوده و فقط موبدان و روحانیون اجازه حضور در پیشگاه آتش مقدس را داشته‌اند. همین امر سبب می‌شود که حضور سایرین در کنار آتش مقدس ممکن نباشد. به همین جهت این نیایشگاه‌ها از نظر مفهومی و ساختاری به صورت دو بخشی طراحی می‌شوند، به این معنی که در یک بخش فقط مغان و روحانیون مجاز به حضور هستند و به جهت اینکه سایرین هم نتوانند در مراسم حضور پیدا کنند، بخش دیگری در مجموعه طراحی می‌شود که شامل اتاقکی با یک پنجره مشرف به فضای مقدس است. لازم به ذکر است با مطالعه سایر نیایشگاه‌های مادی می‌توان گفت وجود روزن به سمت فضای تقدیس آتش در کامل‌ترین نمونه‌های نیایشگاهی به چشم می‌خورد، مانند نیایشگاه مرکزی نوشیجان تپه. در نیایشگاه‌های ساده‌تر مانند واسون کهک به دلیل فروریختن جداره میانی شواهدی از وجود روزن به سمت فضای مقدس یافت نشده است. به نظر می‌رسد کاربرد فضای پیش محراب و تقدیس آتش در معماری نیایشگاهی ماد و کانسپت مفهومی طراحی نیایشگاه، در این دوره مشترک بوده است (جدول ۱). سایر بناهای نیایشگاهی کاوش شده از این دوره، ظواهر متفاوتی دارند اما می‌توان ادعا کرد از نظر کانسپت طراحی با یکدیگر شباهت‌هایی دارند. به همین جهت در این تحلیل به جز سه بنای مورد

است. تخریب‌آباد همانند بنای نوشیجان با لاشه سنگ و خشت، دژ مادی از یکی با خشت، بنای واسون کهک و بنای زاربلاغ با لاشه سنگ پر شده است. از طرفی تخریب‌آباد با بنای زاربلاغ شباهت‌هایی دارد و آن این که علاوه بر داخل بنا، خارج بنا را نیز احاطه کرده‌اند (دانا، ۱۳۹۴، ۶۷). از طرفی آثار معماری به دست آمده در تخریب‌آباد با بناهای نیمه‌ی غربی ایران که در آن‌ها پرشدگی عمده‌ی گزارش شده است مشابهت دارد. ساخت بنای نوشیجان در زاگرس به دوره ماد (سده ۸ پ.م) و پرشدن عمده‌ی آن به اواخر دوره ماد یا اوایل دوره هخامنشی (نیمه دوم سده ۷ یا آغاز سده ۶ پ.م) برمی‌گردد (Stronach and Roaf, 2007, 236). ساخت بنای هخامنشی برمی‌گردد (مجیدزاده، ۱۳۸۲، ۱۰۱-۱۰۲). ساخت بنای زاربلاغ نیز به کلی به دوره ماد و پرشدگی آن در اوایل دوره هخامنشی تاریخ‌گذاری شده‌است (Malekzadeh et al., 2014, 172). پس از کاوش‌های باستان‌شناسی در بنای سنگی واسون کهک، آن را بنایی از دوره ماد پیشنهاد داده‌اند که احتمالاً در اوایل دوره هخامنشی پر شده‌است (ملکزاده، ۱۳۸۳، ۴۹). به این ترتیب، تخریب‌آباد بنایی احتمالاً مذهبی از اواخر نیمه‌ی نخست هزاره‌ی اول پیش از میلاد پیشنهاد می‌شود که همانند برخی از محوطه‌های هم‌زمان خود در غرب و شمال فلات ایران به دلایلی احتمالاً آیینی و مذهبی در اوایل دوره هخامنشی به طور آگاهانه پر شده‌است (دانا، ۱۳۹۴، ۶۸).

### جهت‌گیری جغرافیایی محوطه‌های مورد بررسی

جهت‌گیری بناهای مورد بررسی همانطور که در (رسم توضیحی ۱) مشخص است، در چارچوب جهت‌گیری جغرافیایی اصلی (شمالی-جنوبی و شرقی-غربی) قرار نمی‌گیرند و تمام بناها کشیدگی و امتدادشان به سمت جهات فرعی می‌باشد. همانگونه که از (رسم توضیحی ۱) برمی‌آید میزان زاویه‌ای که بناها با خطوط امتداد جهات اصلی ایجاد کرده‌اند تا حدودی متفاوت است، اما به هر حال می‌توان گفت که جهت‌گیری این بناها می‌توانسته پیرو یک چارچوب از پیش تعیین شده باشد. برای مثال

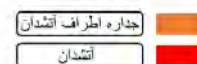
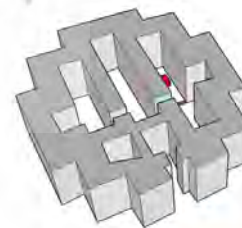


تصویر ۳- تصویر هوایی از محوطه حاجی خان فامنین. مأخذ: (ملکزاده و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۰۲)

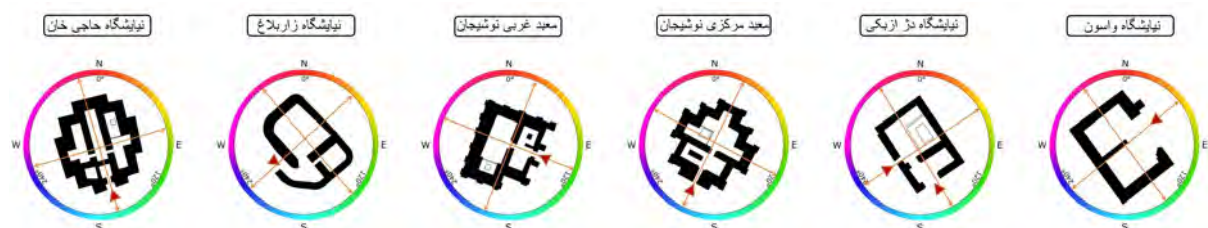
بیرونی معبد انجام نگرفته، نمی‌توان در مورد ابعاد و اندازه دقیق پلان بیرونی معبد اظهار نظر نمود (تصویر ۳). پلان معبد حاجی خان از نظر طرح بسیار شبیه به پلان معبد مرکزی محوطه باستانی نوشیجان است، اما در ابعاد و اندازه وسیع‌تر و بزرگ‌تر از آن می‌باشد؛ همچنین بین سایر عناصر معماری معبد حاجی خان از جمله آتشدان پلکانی وارونه (آلتر)، قسمت میانی یا گوی میانی آتشدان، دیوارک جداکننده بخش اطراف آتشدان، طاقچه‌های فرورفته در دیواره‌ها (در فضاهای ۱، ۲ و ۳)، سکوی چسبیده به دیواره در فضای شماره‌ی ۲، درگاهی‌های ارتباطی بین فضاها با معبد مرکزی نوشیجان شباهت بسیار نزدیک و بارزی وجود دارد (همان، ۱۰۶-۱۰۸).

### تخریب‌آباد بیرجند

متأسفانه پلان‌های تخریب‌آباد در طی کاوش‌های انجام‌شده ترسیم نشده‌است و در گزارش کاوش اثری از آن دیده نمی‌شود. محسن دانا درباره مشاهده شواهد پرشدگی و شباهت این بنا با سایر نیایشگاه‌های مادی اینچنین می‌گوید: با توجه به شواهد موجود از جمله وجود حجم بالای شن، به طور قطع بنا به وسیله شن (و در موارد اندک با لایه باریک خاک) و به طور آگاهانه احاطه شده‌است. شواهد نشان می‌دهد که این بنا با لایه‌های متناوب خشت‌های شکسته و قلوه‌سنگ پر شده است. به این ترتیب به نظر می‌رسد هم داخل و هم خارج بنا عمداً پر شده‌است. از نکات مهم دیگر وجود سازه سکومانند در پای دیوار بلند خشتی که مشابهت بسیار زیادی با نمونه‌ای در تپه نوشیجان دارد. این مورد که افرادی به دلایلی، اطراف این سازه را با شن محصور و داخل آن را پر کرده‌اند نشان می‌دهد این سازه یک بنای مهم در زمان خود بوده



رسم توضیحی ۱۰- پرسپکتیو و پلان محوطه حاجی خان. مأخذ: (ملکزاده و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۰۲)



رسم توضیحی ۱۱- جهت‌گیری بناها نسبت به جهات جغرافیایی، بازترسیم نگارندگان.

متصل است که دسترسی به طبقه بالا را میسر می‌سازد. در زاربلاغ هم ورودی به واسطه یک دیوار منحنی نسبت به بنا زاویه پیدا کرده است و تنها نمونه است که ورودی در جهت کشیدگی بنا واقع نشده است.

### جایگاه آتش مقدس

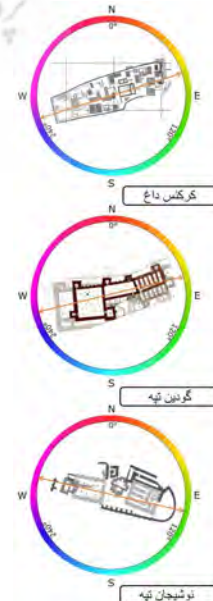
پس از به قدرت رسیدن خشایارشا در گوشه‌هایی از امپراتوری هخامنشی مکان‌هایی برای عبادت وجود داشت که در آن‌ها فعالیت‌های مذهبی شامل سوزاندن مواد مرده در آتش انجام می‌شد و خشایارشا به این مراسم غیر زردشتی پایان داده است. با توجه به اینکه در الواح یافت شده در تخت جمشید تنوع خدایان اقوام مختلف به چشم می‌خورد و همچنین اشاره به اینکه افرادی از اقوام مختلف در مراسم‌های مذهبی آیین خود شرکت می‌کنند، نشان از این است که در دوره هخامنشی آزادی ادیان وجود داشته است، اما آنچه که برجسته است عدم اشاره کامل به مراسم قربانی، به ویژه قربانی کردن گوشت در آتش است و به نوعی نشان دهنده عدم اجرای چنین مراسمی در قلب شاهنشاهی هخامنشی بوده است (Abid, 2007, 61-62). گویا مراسم‌هایی که دیویسنان در آتشدان‌های معابد خود برپا می‌کردند آنچنان مورد تایید موبدان زردشتی نبوده و به واسطه احکام حکومتی خشایارشا، به مقابله با آن برخاستند. در ابتدای بحث باید عنوان نمود که در برخی از محوطه‌ها اثری از آتشدان یافت نشده است. حال یا آتشدان به واسطه تخریب‌های به‌وجود آمده از بین رفته و یا از ابتدا اصلاً وجود نداشته است. این موضوع کاملاً بر اهمیت است به این جهت که برای مثال در یک بنای غیر مذهبی از دوران ماد، مانند تالار ستوندار مرکزی در گودین تپه شاهد حضور آتشدان یا اجاق در فضایی هستیم که تا کنون نتوانسته‌ایم کاربری مذهبی برای آن متصور شویم. از طرف دیگر در بناهایی مانند نیایشگاه زاربلاغ علی‌آباد و واسون کهک که بسیار سخت بتوان کاربری جز فضای نیایشگاهی و مذهبی برای آنان متصور شد، اثری از آتشدان مشاهده نمی‌شود. به نظر می‌رسد بناهایی مانند زاربلاغ و واسون ساده‌ترین و بی‌آلایش‌ترین نوع نیایشگاه‌های مادی هستند که حتی فاقد آتشدان هستند و احتمالاً آتش را در اجاقی ساده و قابل حمل برپا می‌کردند که بقایای آن باقی نمانده است. اما در سایر بناها که بقایای آتشدان در آنها یافت شد اوضاع به گونه‌ای دیگر است. در تمام محوطه‌هایی که آتشدان در آنها یافت شده، آتشدان در نزدیکی دیواری قرار گرفته است و نحوه قرارگیری آن، به گونه‌ای است که آتش حداقل از یک سمت قابل دسترس نباشد. فرم آتشدان‌ها همگی مربع‌شکل هستند که در تپه ازبکی این مربع کمی به فرم مستطیل نزدیک می‌شود. به واسطه تنوع در جایگذاری آتشدان‌ها می‌توان متصور شد که گویا چارچوب خاصی را برای فضای قرارگیری آتشدان در نظر نمی‌گرفتند. به نظر می‌رسد که یک ضلع آتشدان را نزدیک به یک جداره قرار می‌دادند و به اقتضای طراحی کلی بنا، محل قرارگیری آتشدان را تعیین می‌کردند (رسم توضیحی ۱۳). البته ممکن است با کاوش‌های بیشتر و یافتن محوطه‌های مشابه و بالا رفتن تعداد نمونه‌های موردی، بتوان یک الگوی ثابت برای جایگذاری آتشدان‌ها تعریف کرد. اما با داده‌های امروزی تعریف چنین الگویی کمی دور از ذهن به نظر می‌رسد.

نکته دیگری که درباره آتشدان‌ها بسیار مورد توجه است نقش دیوار بسیار کوتاه و باریکی است که اطراف آتشدان را می‌پوشاند. گویا این دیوار کوتاه یک نشانه است برای سایرین، با این عنوان که نباید بیش

بناهای نیایشگاه تپه ازبکی، واسون کهک و زاربلاغ علی‌آباد که کشیدگی طولی دارند و از فرم مربع شکل فاصله دارند، در جهت‌گیری تشابهاتی دارند. محور طول این سه بنا موازی با محور شمال غربی-جنوب شرقی قرار گرفته است و عرض این بناها بر راستای محور شمال شرقی-جنوب غربی قرار گرفته است. نیایشگاه مرکزی و غربی در نوشیجان و نیایشگاه حاجی‌خان از نظر فرم معماری به شکل مربع نزدیک‌تر هستند و کشیدگی طولی ندارند. دو نیایشگاه نوشیجان در جهت‌گیری کاملاً مشابه هستند و آس آن‌ها به سمت شمال شرقی مایل است و فرم کلی این دو بنا به سمت جهات جغرافیایی فرعی (شمال شرقی-جنوب غربی و شمال غربی-جنوب شرقی) کشیدگی دارد. نیایشگاه حاجی‌خان نیز همانند این دو نیایشگاه به سمت جهات جغرافیایی فرعی کشیدگی دارد ولی با این تفاوت که رأس آن به سمت شمال غربی مایل است. شاید بتوان پس از کاوش‌های بیشتر در حاجی‌خان فامنین و خارج کردن تمام بنا از زیر خاک، راجع به چگونگی قرارگیری کل بنا نسبت به معبد مرکزی نوشیجان نظریاتی پرداخت. به طور کلی مجموعه‌های مادی را می‌توان از نظر جغرافیایی دچار کشیدگی شرقی-غربی دانست. با اینکه گودین تپه کمی مایل‌تر از محوطه‌های دیگر نسبت به محور شرقی-غربی قرار می‌گیرد اما باز هم آنچنان آشکارا بر این محور موازی می‌نشیند که نتوان این مهم را نادید گرفت (رسم توضیحی ۱۲).

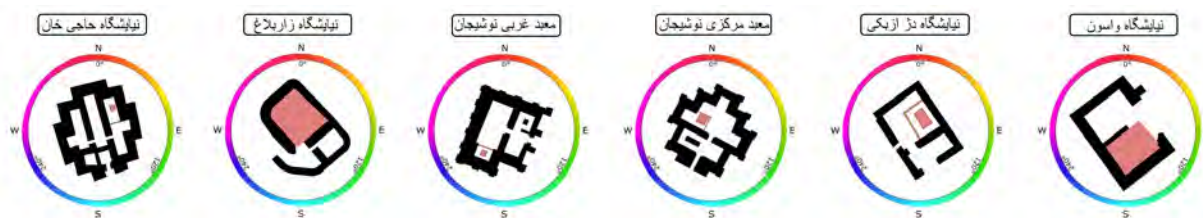
### ورودی

ورودی هیچکدام از این بناها بر راستای جهات جغرافیایی اصلی قرار نگرفته است (رسم توضیحی ۱۱). در تمام بناها ورودی رو به یک پیشخوان باز می‌شود و پس از پیشخوان جایگاه تقدیس آتش وجود دارد. به جز معبد دژ ازبکی که دو ورودی دارد سایر بناها یک ورودی دارند و این بنا، تنها نمونه است که فضای جداگانه‌ای در کنار فضای تقدیس آتش ندارد و همان پیشخوان علاوه بر فضای واسط بودن نقش پیش‌محراب را در مراسم‌های مذهبی را ایفا می‌کند. در معابد نوشیجان (مرکزی و غربی) ورودی به یک پیشخوان و پیشخوان به یک راه پله



رسم توضیحی ۱۲- نحوه کشیدگی مجموعه‌های مادی، تحلیل پلان از نگارندگان. مأخذ: (محمدی‌فر، حبیبی، ۱۳۹۵، ۴؛ هیلاری گوبنیک، میشل راتمن، ۱۳۹۶، ۲۶۸؛ ملازاده و محمدیان منصور، ۱۳۹۰، ۱۲۱)





رسم توضیحي ۱۳- جایگاه آتش مقدس در محوطه‌های مورد بررسی، بازترسیم از نگارندگان.

آتشدان دژ مادی ازبکی را سکوی نذورات معرفی می‌کند، با توجه به شباهت این سکو با سایر آتشدان‌های مادی و حضور جداره نازک اطراف آتشدان در همه نمونه‌ها، به نظر می‌رسد این سکو همانند نمونه‌های مشابه خود، یک آتشدان مادی است که ابعاد بزرگ‌تری دارد (رسم توضیحي ۱۳).

از حد مجاز به آتشدان نزدیک شد و فقط افراد خاصی مجازند که از حریم تعیین شده برای آتشدان عبور کنند و به آن نزدیک شوند. مانند نمایشگاه‌هایی که آثار بسیار مهمی را برای عموم به نمایش می‌گذارند و دور تا دور آن موانعی را تعریف می‌کنند تا علاوه بر اینکه مانع دید نشوند از نزدیک شدن عموم به آن اثر جلوگیری کنند. از آنجا که مجیدزاده

## نتیجه

سنجیده شده است.

**بستر محیطی:** نوشيجان و ازبکی در یک بستر محیطی تقریباً مشابه واقع هستند. بر روی یک تپه، در میانه یک دشت وسیع قرار گرفته‌اند. هر دو محوطه به دشت اطراف خود اشراف کامل دارند، به گونه‌ای که احتمالاً در زمان ساخت بالاترین سطح ارتفاعی آن منطقه را دارا بودند. از طرف دیگر زاربلاغ در یک بستر ناهموار قرار گرفته است و در اطراف، پستی و بلندی‌های طبیعی باعث شده که اشراف دو محوطه دیگر به محیط اطراف خود را نداشته باشد. این بنا بر یک تپه طبیعی قرار گرفته است که با در نظر گرفتن ارتفاع جداره‌های بنا، در تراز بالاتری از تپه‌های اطراف خود قرار می‌گیرد (جدول ۲).

**مصالح ساختمانی:** مصالح ساختمانی معبد مرکزی نوشيجان را خشت و ملات گل تشکیل می‌دهند و این معبد همانند تخرآباد بیرجند، با خشت و قلوه سنگ و لاشه سنگ‌های ریز و درشت و ملات گل مسدود شده است. ازبکی هم با مصالح خشت و ملات گل ساخته شد و در انتها با همین مصالح مهروموم شده است. زاربلاغ اما با لاشه سنگ‌های ریز و درشت به همراه ملات گل ساخته شد و همانند بنای سنگی واسون کهک، در انتها با خشت و سنگ و ملات گل پر شده است. همین امر که بناهای مذکور با مصالح مشابه پر شده‌اند، به خودی خود می‌تواند فرضیه مسدودسازی این بناها در یک دوره تاریخی معین را تقویت کند (جدول ۲).

**ساختار معماری:** به نظر می‌رسد که معماری نیایشگاهی ماد کارکرد یکسانی در نیایشگاه‌های مختلف داشته است و به جهت این کارکرد آیینی، معماران آن دوره مجبور بودند تا فضای تقدیس آتش را از فضای حضور سایرین جداسازی کنند. به جهت اشراف این افراد بر مراسم‌هایی که فقط روحانیون و موبدان اجازه حضور در آن را داشتند، فضایی را در یک طبقه بالاتر و مشرف بر فضای مقدس طراحی می‌کردند. در مواقعی که امکان تعبیه فضای پیش‌محراب در طبقات بالا نبود، آن‌ها سعی می‌کردند در همان تراز، فضایی را به‌عنوان پیش‌محراب طراحی کنند. اگر بناست از پیش‌محراب به فضای تقدیس آتش دید وجود داشته باشد، یک روزنه یا پنجره کوچک در دیوار حائل تعبیه می‌کردند. در معبد مرکزی نوشيجان که کامل‌ترین نمونه نیایشگاه مادی تاکنون کشف شده است، فضای حضور سایرین در طبقه بالاتر قرار گرفته است

معماری ماد به‌عنوان یکی از کهن‌ترین معماری و خلق نیوغ بشری، از یک حکومت گسترده در پهنه جغرافیایی ایران، بسیار حائز اهمیت است. در این میان، معماری نیایشگاهی مادها به جهت ابهاماتی که در این باره وجود دارد، اهمیتی دوچندان دارد. اولین بار استروناخ پس از کاوش‌های نوشيجان تپه دو بنای یافت شده در آن محوطه را، فضاهایی نیایشگاهی برشمرد و پس از آن در سالیان بعد کاوش‌های دیگری در پهنه فرهنگی ماد انجام شد و نیایشگاه‌های مادی دیگری سر از خاک بیرون آوردند. در این میان یک نکته بسیار قابل توجه است و آن، پرشدگی و مهروموم شدن نیایشگاه مادی در نوشيجان است که این فرایند مسدودسازی بدون هیچ‌گونه تخریبی صورت گرفته است. این اتفاق پس از آن در چندین محوطه مادی دیگر نیز مشاهده شد و پس از آن بررسی‌های دقیق‌تر بر کتیبه ضد دیو خشایارشا (XPh) انجام شد. پژوهشگران پس از مطالعات دقیق‌تر بر کتیبه و تحولات سیاسی- مذهبی آن دوران، به این نتیجه رسیدند که این کتیبه متعلق به دوره‌ای است که در حکومت هخامنشی مبارزه با تمامی ادیان الحادی در پهنه فرهنگی ماد در دستور کار قرار گرفت. کاوشگران ابتدا در تعیین کاربری برخی از این نیایشگاه‌ها محتاطانه عمل می‌کردند. به این جهت که برخی از این بناها مانند نیایشگاه‌های از قبل کشف شده، فرایند مسدودسازی را طی کرده بودند ولی در ظاهر آنچنان شباهتی با سایر آن‌ها نداشتند. ولی با مطالعات بیشتر بر آیین مادها و مراسم‌های آنان و دقت در نحوه تفکیک فضاها در ساختار نیایشگاهی ماد، با اطمینان بیشتری بناهای یافت شده را نیایشگاه مادی خواندند. به همین جهت در این پژوهش، نیایشگاه مرکزی نوشيجان تپه در ملایر با نیایشگاه زاربلاغ در علی‌آباد قم و نیایشگاه دژ مادی ازبکی سنجیده شد. با اینکه ممکن است به نظر بیاید که این سه بنا از نظر ظاهر معماری آنچنان شباهتی با یکدیگر ندارند، اما در این پژوهش سعی شد تا جنبه‌های مفهومی طراحی فضاها و کاربری این بناها با هم سنجیده شود. در این بین بناهایی مانند نیایشگاه غربی نوشيجان و نیایشگاه حاجی خان فامنین به جهت شباهت‌های ساختاری که با نیایشگاه مرکزی نوشيجان دارند، در کنار این بناها روند تحلیل ساختاری را طی کرده‌اند. بنای سنگی واسون کهک هم که خود یک نیایشگاه مادی مهروموم شده است، به واسطه شباهت‌های ساختاری و فضایی که با زاربلاغ قم دارد در کنار این بناها

کهک و زار بلاغ قم مشاهده می‌شود که فضای تقدیس آتش بدون آتشدان است (جدول ۲). این بناها به واسطه ظواهر، پیچیدگی‌های معماری، وسعت بنا، جغرافیا و بستر محیطی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، اما پس از تحلیل ساختار فضایی و انطباق کاربری و مراسم‌های آیین مادها بر آن‌ها، می‌توان آن‌ها را از یک خانواده دانست، می‌توان تمام آن‌ها را نیایشگاه مادی خواند. نیایشگاه‌هایی که به واسطه یک کانسپ معماری معین، طراحی شده‌اند. نیایشگاه‌هایی که در انتهای حیات فرهنگی-مذهبی خود، بدون هیچ‌گونه تخریبی مسدود شده‌اند.

و از آنجا به واسطه یک روزن فضای تقدیس آتش قابل مشاهده است. گویا این ترکیب بهترین ساختار فضایی، برای کاربری آیین مادها بوده است که به نظر می‌رسد نیایشگاه غربی نوشیجان هم دقیقاً از همین ساختار استفاده می‌کند. در بناهای دیگر که کوچک‌تر و کم هزینه‌تر از معبد مرکزی نوشیجان ساخته شده بودند، پیچیدگی‌های معماری و هزینه را به واسطه نیاز خود محدود می‌کردند. گاهی مانند نیایشگاه ازبکی از ساخت فضای پیش محراب در طبقه دوم صرف نظر می‌کردند و گاهی پنجره‌ای و روزنی از پیش محراب به فضای مقدس باز نمی‌کردند. حتی گاهی آتشدانی در فضای مقدس نمی‌ساختند، چنانچه در واسون

جدول ۲ - مشخصات کلی محوطه‌های مورد بررسی، ترسیم و تحلیل از نگارندگان.

نوشیجان تپه - ملایر - همدان	تپه ازبکی - نظرآباد - البرز	زار بلاغ - علی آباد - قم
 <p>انبارها تالار ستوندار معبد مرکزی معبد غربی</p>	 <p>اتاق سکودار انبارها تالار شمالی تالار جنوبی معبد</p>	 <p>نیایشگاه سنگی</p>
<p>تپه در دشت ملایر واقع است. ارتفاع تپه اصلی: ۳۷ متر فضای روی تپه: ۱۰۰×۴۰</p>	<p>تپه در دشت نظرآباد روستای ازبکی واقع است. ارتفاع تپه اصلی: ۲۶ متر فضای روی تپه: مجموعاً فضای روی تپه ۱۰۰۰ متر مربع است.</p>	<p>تپه در ناهمواری‌های منطقه علی آباد و نزدیک اتوبان تهران - قم واقع است. فضای روی تپه: فضای روی تپه کمتر از ۷۰ متر مربع است.</p>
<p>ساخت: خشت و ملات گل پرشدگی: خشت و سنگ و گل</p>	<p>ساخت: خشت و ملات گل پرشدگی: خشت و گل</p>	<p>ساخت: لاشه سنگ و ملات گل پرشدگی: خشت و سنگ و گل</p>
 <p>کشیدگی بر محور جهات جغرافیایی فرعی انتهای فضای مقدس بنا از محور شمال کمی به سمت شرق متمایل است قرارگیری ورودی در جنوب غربی</p>	 <p>کشیدگی بر محور جهات جغرافیایی فرعی انتهای فضای مقدس بنا از محور شمال کمی به سمت غرب متمایل است قرارگیری ورودی در جنوب غربی</p>	 <p>کشیدگی بر محور جهات جغرافیایی فرعی انتهای فضای مقدس بنا از محور شمال کمی به سمت غرب متمایل است قرارگیری ورودی در جنوب غربی</p>
<p>آتشدان مربع شکل - دیوار حائل کوتاه مانند آتشدان حاجی خان نزدیکی آتشدان به جداره سمت جنوب غربی مانند آتشدان معبد غربی نوشیجان</p>	<p>آتشدان مستطیل شکل - دیوار حائل کوتاه نزدیکی آتشدان به جداره سمت شمال شرقی مانند آتشدان معبد حاجی خان فاسنین</p>	<p>عدم وجود آتشدان و دیوار حائل عدم وجود آتشدان مانند واسون کهک</p>
		
<p>آتشدان</p>	<p>فضای تقدیس آتش</p>	<p>پیشخوان-پیش محراب</p>

## فهرست منابع

- آموزگار، ژاله (۱۳۷۱)، دیوها در آغاز دیو نبودند، کلک، شماره ۳۰، صص ۱۶-۲۴.
- استروناخ، دیوید؛ رف، مایکل (۱۳۹۰)، *نوشیجان ۱*، ترجمه کاظم ملازاده، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- بریان، پی‌یر (۱۳۹۱)، *تاریخ هخامنشیان از کوروش تا اسکندر*، تاریخ شاهنشاهی ایران، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، جلد دهم، بخش اول، انتشارات توس. دانا، محسن (۱۳۹۴)، گزارش مقدماتی کاوش در تپه‌ی تخچرآبادبیرجند: محوطه‌ای از آغاز دوران تاریخی در شرق ایران، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، شماره ۱۲ و ۱۳، سال ششم و هفتم، صص ۵۹-۷۲.
- دیاکونوف، ا.م. (۱۳۹۵)، *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، چاپ اول، چاپ اول ۱۳۴۵، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- سامی، علی (۱۳۸۹)، *تمدن هخامنشی*، جلد اول، چاپ دوم، تهران: سمت. عبدی، کامیار (۱۳۹۹)، *اردشیر اول بر تخت خشایارشا: چگونه یک مشاهده باستان‌شناختی بر دانش تاریخی ما می‌افزاید؟*، در جهان هخامنشیان، گردآورندگان جان کرتیس و سنت جان سیمپسون، ترجمه خشایار بهاری، تاریخ هنر و جامعه در ایران باستان، چاپ اول، تهران: نشر فرزاد روز.
- گوپنیک، هیلاری؛ رائمن، میشل (۱۳۹۶)، *در مسیر شاهراه*، ترجمه محمدامین میرقادر، هادی صبوری، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۲)، *گزارش سومین فصل حفاریات در محوطه باستانی ازبکی*، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۹)، *کاوش‌های محوطه باستانی ازبکی*، جلد اول: هنر و معماری، تهران: سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری.
- محمدی‌فر، یعقوب؛ حبیبی، حسین (۱۳۹۵)، *کرکس داغ، کلنی مادی یا شهری فریگی؟ جستارهای باستان‌شناسی ایران پیش از اسلام*، (۲)، صص ۱-۱۶.
- ملازاده، کاظم (۱۳۹۰)، مطالعه معماری مذهبی دوره ماد و تداوم آن تا دوره اشکانی براساس داده‌های باستان‌شناسی به‌دست‌آمده از نوشیجان و قومس، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، (۱)، صص ۱۲۳-۱۳۶.
- ملازاده، کاظم؛ محمدیان منصور، صاحب (۱۳۹۰)، مطالعه و معرفی شیوه بدیع طاق‌زنی دوره ماد در تپه نوشیجان ملایر، *مطالعات باستان‌شناسی* (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران)، دوره ۳، شماره ۴، صص ۱۲۹-۱۴۸.
- ملازاده، کاظم (۱۳۹۶)، *باستان‌شناسی ماد*، چاپ سوم، تهران، سمت.
- ملکزاده، مهرداد (۱۳۸۲)، *بنای سنگی زارباغ*، نیایشگاهی (؟) از دوره ماد: گزارش بازدید و بررسی مقدماتی، *باستان‌شناسی و تاریخ*، سال ۱۷، شماره ۲، صص ۵۲-۶۴.
- ملکزاده، مهرداد (۱۳۸۳)، *بنای سنگی واسون کهک*، سازه‌ای از دوره ماد (؟)، *گزارش بازدید و بررسی مقدماتی، باستان‌شناسی و تاریخ*، سال ۱۸، شماره ۲، صص ۴۲-۵۱.
- همتی ازندریانی، اسماعیل؛ ملکزاده، مهرداد و ناصر صومعه، حسین (۱۳۹۸)، *گزارش مقدماتی فصل اول کاوش نجات بخشی در محوطه‌ی «حاجی‌خان» فامنین - استان همدان معبد و نیایشگاهی نویافته از دوره‌ی مادها، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*، دوره ۹، شماره ۲۳، صص ۹۱-۱۱۰.
- Abdi, Kamyar (2007), *the 'Daivā' Inscription Revisited*, Nāme-irān-e Bāstān, 6/1&2, pp. 45-74.
- Dandamayev, M.A (1976), *Persian unter den ersten Achämeniden*, Wiesbaden, übersetzt von heinz-dieter pohl
- Dandamaev.M. and Lukonin. VG (2004), *the culture and social institutions of ancient iran*, Cambridge.
- Herzfeld, E. (1947), *Zoroaster and his World*, Vol 1. Princeton
- Malekzadeh, M., Saeedyan, S. D., & Naseri, R. (2014). *Zar Bolagh: a late Iron Age site in Central Iran*. *Iranica Antiqua*, 49, pp. 159-191.
- Mohamadifar, Y. Sarraf, M, R. Motarjem, A. (2015). *A Preliminary Report On Four Seasons Of Excavation Atmoush Tepe, Hamedan, Iran*, *Iranica Antiqua* 50: 231-248.
- Olmstead, A.T. (1948), *History of the Persian empire*, the university of Chicago press.
- Srtonach, D. (1967), *Urartian and Achaemenian Tower Temple*, *Journal of Near Eastern Studies*, 26: 278-288.
- Stronakh, D and M.Roof, (2007), "*Nush-i Jan 1: The major Buildings of The Median Settlement*", *British Institute of Persian Studise*, Peeters, London.
- Xin, W. and Lecomte, O., (2012). *Clay sealings from the Iron Age citadel at Ulug Depe*. *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan*, 44, pp. 313-328.



## Assessment of the Architectural Concept of Places of Worship During the Medes Era in Noushijan Tappe, Zarbolagh and Tappe Ozbaki

Mohammad Hassan Talebian<sup>\*1</sup>, Mehrdad Malekzadeh<sup>2</sup>, Alireza Taheri<sup>3</sup>

<sup>1</sup>Associate Professor, Department of Building Restoration and Historical Structures, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

<sup>2</sup>Assistant Professor, Archeology Research Institute, Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Tehran, Iran.

<sup>3</sup>Master of Architectural Studies, Department of Building Restoration and Historical Structures, School of Architecture, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran.

(Received: 27 Jul 2022, Accepted: 4 Dec 2022)

The Medes are known as the first unified and central government of Iran. The historiography of this government faces many uncertainties, but there is no doubt that they were able to establish a unified government in Iran for the first time. The Median period is one of the least well defined periods of Iranian Archeology and Architecture. To speak of Median Art means, first of all, mentioning the huge gaps in our knowledge of Median history. However, architecture in the Medes Dynasty is surrounded with ambiguity due to limited explorations and ambiguous dates. An important part of the Medes architecture is devoted to places of worship. The central shrine of Noushijan Tappe is one of the most important ritual spaces of the Medes, and as a result of excavations and observation of the fillings, it was found that this shrine was sealed without the slightest damage. Further excavations in the territory of the Medes, revealed other sites with the same conditions as Noushijan Tappe. It was believed that these shrines had a similar fate as the central shrine of Noushijan Tappe. In this research, which is based on a descriptive-analytical method and a case study, with the aim of studying architecture from the concept of design to the function of ritual spaces of the Medes, an architectural comparison is made between the central shrine of Noushijan in Malayer, Zarbolagh shrine in Aliabad Qom and Ozbaki shrine in Nazarabad, in order to reach a design pattern specific to these places of worship. The research concludes that most of the religious buildings built at the time of the Medes Empire were blocked during the Achaemenid rule. The Achaemenids only hindered access to the Medes places of worship and did not destroy them. It seems that the (XPh) inscription of Xerxes and the law against atheistic religions in the Achaemenid period caused these shrines to be blocked. We find that these religious buildings used a special architectural pattern and this pattern is repeated in different forms in most of the religious buildings constructed under the rule of the Medes. It is understood that while the function and architectural concepts remain the

same in these buildings, each shows a different architectural design. The architects of that period designed the building in such a way that the sacred space is separated from the main building. Not everybody was allowed into the sacred parts, and those who wished to enter had to wait beforehand in a spare room. Some constructs had a window built in the spare room that gave the person-in-waiting a view to the sacred room. Unfortunately, some of the religious buildings of this historical period were destroyed after many years, which made it difficult to identify this architectural concept in them. Finally, the paper will highlight similarities between the western shrine of Noushijan Tappe and Vasun stone building in Kahak and Takhcharabad shrine in Birjand and Hajikhan shrine in Famenein with the above sites.

### Keywords

Medes Architecture, Places of Worship, Noushijan Tappe, Zarbolagh, Tappe Ozbaki, Architectural Concept.

\*Corresponding Author: Tel: (+98-21) 66171604, Fax: (+98-21) 66972076, E-mail: mh.talebian@ut.ac.ir